



امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیک‌تر از سیاهی چشم به سفیدی‌اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱



# استخراج سرفصل‌های اصلی

پژوهش آکادمیک

پیرامون

سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران

فرهنگ آکادمیک

فرهنگ تخصصی

فرهنگ عمومی

حسینیه اندیشه

مردادماه ۱۳۸۵

## ۱. اصول حاکم بر سرفصل‌های اصلی و منطقی تدوین چشم‌اندازهای نظام بر اساس فلسفه شدن اسلامی

۱/۱. ملاحظه قبض و بسط ادبیات توسعه و ادبیات انقلاب بدون تعیین متغیر اصلی، علت فرسایش ادبیات انقلاب به نفع ادبیات توسعه در زمان (درازمدت).

۱/۲. ضرورت بررسی مفهوم کاربردی: تکامل (رفاه)، عدالت (تعادل)، تساوی (برابری) از منظر ادبیات انقلاب، ادبیات توسعه و ادبیات مذهب (نگاه فلسفه نظری، تاریخی، کاربردی).

۱/۳. ضرورت نگاه کاربردی به فرهنگ (مفاهیم، ساختارها، محصولات) واسطه قرار گرفتن مدل بین تعریف از انسان، جامعه و... تکامل و نظام موازنه قدرت.

۱/۴. «نظام عناوین» یا «واژه کلید نظام شاخصه‌های ارزیابی جامعه» و ضرائب حاکم بر آنها در تعریف «تکامل، توازن (تعادل) و تساوی (قسط)» به نحو مادی، التقاطی و الهی (جامعه‌شناسی و اقتصاد).

۱/۵. الگوی تنظیم برنامه یا سیر حرکت تصمیمات کلان نظام از چشم‌اندازها (استراتژی) به طرح سیاست‌های کلان و از طرف سیاست‌های کلان به طرف تدوین برنامه (برنامه‌ریزی و مدیریت و اقتصاد و صنعت).

۱/۶. بررسی ناهنجاری‌های اجتماعی در ایران.

۱/۷. ترسیم وضعیت انقلاب فرهنگی به عنوان چشم‌انداز درازمدت در ایران.

۱/۸. موضوع انتقالی: ایجاد شرایط گفتمان علمی یا مناظرات.

## ۲. سرفصل‌های اصلی ارائه شده از طرف طرفداران ادبیات توسعه برای تدوین چشم‌اندازهای توسعه بر اساس فلسفه‌شدن غربی

### ۲/۱. تعاریف:

۲/۱/۱. توسعه‌یافتگی وصف «هویت» جوامع غربی است که در گذار تاریخی پیدایش تمدن جدید به وجود آمده است.

۲/۱/۲. تمدن جدید دارای فرهنگ، اندیشه و مکتب فکری است.

۲/۱/۳. فرایند توسعه علت تحوّل در نهادها و سطح رفاه جامعه می‌گردد.

۲/۱/۴. «تمدن عبارت است از کلیه دستاوردهای مادی و معنوی انسانی در جریان تلاش او برای تأمین نیازهایش».

۲/۱/۵. «توسعه فرایند کشف قوانین علمی و تدوین الگوها و روش‌های متناسب با هر کشور»<sup>۱</sup>.

۲/۱/۶. فرایند توسعه بمعنای: فلسفه چگونگی تبدیل تمدن قدیم به تمدن جدید.

۲/۲. تحلیل مقایسه‌ای وضعیت ایران نسبت به روند ابعاد جهانی توسعه‌یافتگی و تمدن موجود

۲/۲/۱. تحلیل روند آغاز توسعه در ایران (گذشته)

۲/۲/۲. تحلیل و آسیب‌شناسی بحران‌ها و عدم تعادل‌ها در وضع موجود ایران (حال)

۲/۲/۳. تحلیل و ترسیم روند آینده ایران در مسیر توسعه‌یافتگی (آینده)

۲/۳. تکیه بر اخلاق مادی و فشار آوردن بر گروه‌های فشار برای دستیابی به اختیارات برای رسیدن به قدرت و نوشتن و تدوین برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی سیاسی (تکیه به دارایی‌های تمدن موجود؛ و کارایی آن؛ و اطلاع رسانی و ارتباط به شبکه جهانی اطلاعات).

<sup>۱</sup>. دکتر حسین عظیمی، ایران امروز در آینه توسعه، ص ۳۲.

### ۳. سرفصل‌های اصلی و عرفی ادبیات انقلاب در ترسیم و تنظیم چشم‌انداز نظام

۳/۱. ترسیم جبهه حق و باطل و دفاع از اصول و آرمان‌های انقلاب:

۳/۱/۱. حق بودن مبارزات علما از منزلت فهم دینی و اسلام در برخورد با مظالم ملموس نظام‌های دیکتاتوری و نظام ستم‌شاهی پهلوی.

۳/۱/۲. دفاع از استمرار مبارزات نظام جمهوری اسلامی در مقابل نظام استکبار جهانی.

۳/۲. امید دادن به مردم درباره توانایی اسلام در حل مسائل و طلب مشارکت از آن‌ها برای جبران عقب‌ماندگی‌ها و برطرف کردن موانع:

۳/۲/۱. دفاع از دخالت اسلام و روحانیت در سرنوشت ملت.

۳/۲/۲. دفاع از خواست‌های ملت ایران با توجه به نهادینه شدن اخلاق اسلام در آن‌ها.

۳/۳. اصول تاریخی حاکم بر نظام:

۳/۳/۱. دفاع از اصل ولایت مطلقه فقیه (مرجعیت) و مذهب اسلام.

۳/۳/۲. دفاع از قانون اساسی برای اصول مترقی آن در ایجاد مجاری حضور دین (ولایت) در صحنه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی.

۳/۴. علت توانمند شدن نظام و ترس ابرقدرت‌ها از استقلال سیاسی، فرهنگی، علمی و اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران:

۳/۴/۱. دفاع از استفاده از تجربیات جهانی در مدیریت، تکنولوژی و عقل بشری.

۳/۴/۲. دفاع از پیشرفت‌های علمی و دعوت به ارتقاء آن در سطح جنبش نرم‌افزاری.

۳/۵. ترسیم آینده قبل از ظهور:

۳/۵/۱. طرح ایجاد تمدن اسلامی در منطقه‌ای از عالم.

۳/۶. مکانیزم سیاسی جریان تصمیمات، تصمیم‌سازی در نظام:

۳/۶/۱. ابلاغ سند چشم‌انداز بیست ساله نظام جمهوری اسلامی ایران.

۳/۶/۲. ابلاغ سیاست‌های بخشی (مسائل کلان نظام)

۳/۶/۳. پیاده کردن مردم‌سالاری دینی در قالب انتخابات‌های گسترده و راهپیمایی‌های مختلف به مناسبت‌های ثابت و متغیّر در نظام.

- گذشته:

دفاع از فرهنگ دینی، فرهنگ ایرانی و دستاوردهای هر یک.

- آینده:

بلند کردن پرچم عدالت.

- حال:

بلند کردن پرچم مبارزه با فقر، فساد و تبعیض به دلیل مبنای اخلاقی دعوت انبیاء.

#### ۴. نقد اولیه پیرامون ادبیات توسعه در ارائه سرفصل‌های اصلی برای تدوین چشم‌اندازهای توسعه بر اساس فلسفه‌شدن غربی<sup>۱</sup>

۴/۱. دستاوردهای تمدن جدید برای کشورها و ملت‌ها تولید نیاز کرده و نیازها به دلیل انقلاب صنعتی در زندگی ملموس می‌باشند و از این رو فاصله افتادن بین ارضاء و نیاز ایجاد محرومیت می‌کند؛ یعنی محرومیت‌ها نیز قابل لمس است.

۴/۲. تکیه بر محرومیت‌های مادی برای دعوت ملت‌ها به توسعه‌یافتگی یا خروج از کم‌توسعه‌یافتگی بیان‌کننده ضرورت‌ها و خلأها در فرایند توسعه است.

۴/۳. آماری از دستاوردهای تمدن موجود و ارتقاء فرایند علمی و پژوهشی دستیابی به رفاه دائم‌التزاید و ارتقاء آن یا توسعه نمایشگاه‌های بین‌المللی گویای اهداف عینی در فرایند توسعه و تمدن جدید است.

۴/۴. تحوّل در ساختارهای تمدن و انتقال از ساختارهای تمدن قدیم به ساختارهای تمدن جدید و یا ارتقاء و بهینه ساختارهای موجود گذار تاریخی تمدن جدید گویای موضوع در فرایند توسعه است.

۴/۵. شناخت نظام‌ها بر اساس آمار و شاخصه‌ها و استانداردهای جهانی و مقایسه آن‌ها با کشورهای توسعه یافته گویای عمق فاصله وضع موجود کشورها با محیط جهانی، بین‌المللی و منطقه‌ای است.

۴/۶. میزان و تعیین مراحل طی شده از یک طرف و عمق فاصله وضع موجود کشور با محیط جهانی؛ بین‌المللی و منطقه‌ای در فرایند توسعه، امکان ترسیم عینی چشم‌انداز مطلوب را معین می‌کند که گویای نظام مطلوب هر نظام است.

۴/۷. ترسیم و تدوین آمار دقیق و نظام اطلاعاتی از مقدرات نظام امکان تخمین مراحل بعد را در فرایند توسعه فراهم می‌نماید که گویای مرحله انتقال است.

۴/۸. بعد از تدوین و اجرایی کردن برنامه‌های توسعه، نظامات شاهد تحوّل فرهنگی در رفتار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نظام خود می‌باشند. این به معنای پذیرفتن تعاریف و مفاهیم و روش‌شناسی جدید به جای روش‌شناسی و مفاهیم قدیم است (فلسفه).

۴/۹. پیدا شدن باورهای جدید در فرهنگ یک ملت علت پایداری آن‌ها در به وجود آوردن مراحل تاریخی ملت خود در راستای فلسفه تاریخ مدرنیته می‌باشد.

<sup>۱</sup>. منابع: الف: مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران، دکتر حسین عظیمی

ب: ایران امروز در آینه مباحث توسعه، دکتر حسین عظیمی

۴/۱۰. همبستگی ملی حول کلمه رفاه، مدرنیته و جامعه مدنی به معنای ارتقاء و بهینه  
شاخصه‌ها و استانداردهای جهانی و حرکت به سمت عضویت در محیط جهانی است.



## ۵. اولین ترجمه منطقی ادبیات انقلاب در ارائه و ترسیم سرفصل‌های اصلی تنظیم چشم‌اندازهای نظام

۵/۱. نیاز به عزت به وجود آمده از مجرای انقلاب اسلامی و خروج از ذلت زندگی در سایه طاغوت پهلوی و تبدیل آن به هویت اسلامی و انقلابی و ملی مردم ایران

۵/۲. هویت اسلامی به معنای بندگی خدا و جلب رضایت حضرت حق در همه شئون حیات دنیا است. تولی به مشیت بالغه الهی و قدرت بی‌نهایت و لایزال الهی (ایاک نعبد و ایاک نستعین) مبدأ پیدایش آرامش و دعوت همه به ربوبیت او و پیدایش اخلاق حسنه (راستگوئی، ایثار، تعاون و...) است و تولی به مشیت و قدرت‌های محدود (طاغوت‌ها و شیاطین) مبدأ پیدایش اضطراب و دعوت به تسخیر همه قدرت‌ها به خود و پیدایش اخلاق رذیله (دروغ، مکر، استعمار و استثمار دیگران) است.

۵/۳. «خالقیت، ربوبیت و هدایت» حضرت حق جلت‌عظمته با سه دسته آیات ذیل تجلی می‌یابد:

الف) آیات حسی: در سرفصل اول تاریخ حیات دنیا با معجزات حسی بوسیله رسالت انبیاء الهی و رسولان مرسل تحقق یافت.

ب) آیات عقلانی: در سرفصل دوم تاریخ حیات دنیا با معجزات عقلانی بوسیله امامت ائمه معصومین (ع) اقامه و در دوره غیبت بوسیله علماء اسلام تحقق می‌یابد.

ج) آیات شهودی در سرفصل سوم تاریخ حیات دنیا با معجزات عرفانی بوسیله ظهور و رجعت ائمه معصومین (ع) تحقق می‌یابد.

ولایت الهیه سه نظام «الهی، التقاطی و الحادی» امت‌ها در شب‌های قدر مربوط به ولایت تاریخی یا تشریحی است.

۵/۴. ولایت مطلقه اجتماعی الهیه شعبه‌ای از ولایت رسول... (ص) است که در سرفصل سوم تاریخ محقق و جهانی می‌شود، اما به اقتضائات اتمام حجت و امتحانات در بعضی از مقاطع در دو سرفصل اول و دوم تاریخی نیز محقق می‌گردد. بعد از گذشت دوران کودکی و تمییز تفقه، اکنون مقدمات شرایط استضائه به کلمات وحی از منزلت اقامه اجتماعی دین از مجرای انقلاب اسلامی ایران فراهم شده است و واژه‌کلید ارزیابی نظام شاخصه‌های جامعه برای این منظور تقدیم می‌گردد.

۵/۵. نظام تفقه دینی با تبلیغ «اعتقادات، احکام و اخلاق» به مکلفین و پاسخگویی به مسائل مستحدثه دوره کودکی و تمییز خود را سپری کرده است. و با مبارزه علیه مظاهر ظالمانه تمدن رنسانس با همه هویتش (در شرایط فروپاشی نظام‌های التقاطی دینی اهل سنت) در ۱۵۰ سال اخیر

موفق به سرنگونی و فروپاشی نظام طاغوتی پهلوی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی در ایران گردید. اکنون نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران پرچم مبارزه بر علیه نظام استکبار جهانی بر عهده دارد. (وضع موجود)

۵/۶. نظام مدیریت جهانی از فرهنگ «إذا أمر مولی بعبده» قبل از رنسانس به فرهنگ عدالت سیاسی و فلسفه دموکراسی بعد از رنسانس تغییر وضعیت داده و امروز با جهش در علوم پایه و تکنولوژی و مقیاس محاسبات در روش تحقیقات، با مدیریت حادثه‌سازی مدرنیته روبه‌رو بوده و نظام جمهوری اسلامی برای حفظ و تداوم حیات خود باید بتواند با تکیه بر آرمان‌های خود و ارتقاء سطح عقلانیت خود در استضائه به کلمات وحی، چشم‌اندازهایی را برای نظام مقدس جمهوری اسلامی ترسیم نماید. ارائه هدف نظام ایجاد تمدن حقه اسلامی در منطقه‌ای از عالم از طرف مقام معظم رهبری گویای نظام مطلوب نظام جمهوری اسلامی ایران است. (نظام مطلوب)

۵/۷. مدیریت اجرایی نظام در دوران دفاع مقدس در مقابل تهاجم بی‌محابای قدرت‌های شرق و غرب علیه ایران پناچار به گرفتن تصمیمات روزمره بود و بعد از قطعنامه و ایجاد بستر حضور دین در سیاست‌های کلان نظام از طریق مجمع تشخیص مصلحت به مدیریت برنامه‌ای رسید و بعد از تجربه چند برنامه و در آستانه تدوین برنامه چهارم نظام جمهوری اسلامی ایران، تصمیمات نظام برای تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی خود به تدوین و ابلاغ چشم‌انداز ۲۰ ساله، ارتقاء کیفی پیدا کرده است (مرحله انتقال).

۵/۸. تدوین و اجرای چند برنامه در ۲۰ سال گذشته، نظام را در مقابل ناهنجاری‌ها و چالش‌ها و معضلاتی روبه‌رو کرده است که نیازمند تحلیل عمیق در مدیریت کلان نظام است. «فقر، فساد، تبعیض» سه سرفصل اصلی مطرح شده از طرف مقام معظم رهبری است. تضعیف ارزش‌ها، مسأله تورم، گرانی، بی‌کاری، تظاهر به مفاسد اخلاقی، وجدان کاری، انضباط اجتماعی و مقولات دیگر در عرصه‌های هنری، امنیتی، نظامی، بهداشتی، امور زنان، جوانان و... همه نمودهای دیگری از این امور است (ضرورت‌ها).

۵/۹. مقام معظم رهبری براساس توانمندی‌های ذیل:

الف: مکتب جاویدان اسلام (نظام تفقه دینی)

ب: توانمندی‌های ملت ایران به عنوان قومی که همیشه در ساخت تمدن‌های بشری نقش ایفاء نموده است

ج: همبستگی ملی ملت ایران در مقیاس بسیار بالا و با امید دادن و تشویق نسبت به جامعه‌ی فرهیخته و دانشمند دانشگاهی و مجتهد حوزوی به شرایط جدیدی بوجود آورده‌اند. تقاضای معظم‌له از دو نهاد حوزه و دانشگاه برای جنبش نرم‌افزاری؛ ایجاد اخلاق گفتمان در مراکز دانشگاهی - علمی کشور، دعوت به دستیابی به مدل بومی و اسلامی برای تحقق چشم‌انداز بیست‌ساله، از مطلوبیت‌های نظام برای دهه‌های آینده انقلاب است. (مطلوبیت)

۵/۱۰. داشتن تحلیل جامعه‌شناسی دینی از ناهنجاری‌ها و آسیب‌شناسی بحران‌ها در ساختار نظام، موضوع اصلی تصمیمات کلان مدیران نظام می‌باشد.

الف) چالش قومیت و جمهوریت در عرصه سیاسی

ب) چالش فرهنگ مذهب با فرهنگ سرمایه‌داری در عرصه فرهنگی

ج) چالش نرخ سود سرمایه با متغیر کار در چهار بازار در عرصه اقتصادی

سه سرفصل اصلی در موضوعات برنامه‌های توسعه و تدوین آن است.

## ۶. نقد اولیه سرفصل‌های ادبیات توسعه در ارائه و ترسیم سرفصل‌های اصلی تنظیم چشم‌اندازها

تحول در کشورهای کم توسعه یافته با تحول در نهادهای تولیدی آن آغاز می‌شود. یعنی ابتدا تحول در رفتار اقتصادی جامعه موضوع برنامه‌های توسعه قرار می‌گیرد و با تحول فیزیکی در زیرساخت‌ها، اعم از کارخانه‌ها، جاده‌ها و... اخلاق مردم را با دستاوردهای توسعه آشنا نموده تا زمینه مشارکت ملت فراهم گردد (این مرحله بدون شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خارجی امکان ندارد).

بعد از آن تحول در رفتار آموزشی جامعه، موضوع برنامه‌های توسعه قرار می‌گیرد و با تحول در نیروی انسانی کارآمد و بومی اعم از دوره‌های ابتدایی، متوسطه، دانشگاه‌ها، مدارس فنی و حرفه‌ای، مدارس هنر، تربیت بدنی و... اخلاق مردم را برای رسیدن به فرهنگ استقلال ملت‌ها در عرصه‌های توسعه آماده می‌نمایند (این مرحله بدون مراکز دانشگاهی و علمی خارج و بورسیه‌ها امکان ندارد).

سپس تحول در رفتار پژوهشی جامعه، موضوع برنامه‌های توسعه قرار می‌گیرد و با تحول در نخبگان ملی اعم از حوزه، دانشگاه و مدیران و مخترعان اخلاق مردم را برای رسیدن به استانداردهای جهانی و عضویت در جامعه جهانی فراهم می‌نمایند (این مرحله بدون سرمایه‌گذاری کارتل‌ها، تراست‌ها و... امکان پذیر نمی‌باشد).

در این پروسه، امنیت ملی و منافع ملت‌ها به چه چیزی تعریف می‌شود؟ جنگ و صلح بر مبنای توسعه و توسعه‌یافتگی امضاء می‌شود. منفعت و مصلحت و امنیت، بر اساس درصد توسعه‌یافتگی کشورها تعیین می‌شود و کشورهای کم توسعه یافته مورد تهدید و تعرض واقع می‌شوند و عضویت کشورها به میزان سرعت بخشیدن به گردش اعتبارات قدرت، اطلاع و ثروت ابرقدرت‌ها و قدرت‌های جهانی تعریف می‌شوند و در صورت تخلف از عرف و بناء عقلاء جهانی مجازات می‌گردند. از این رو بی‌عدالتی سیاسی، امر ذاتی نظام سرمایه‌داری است.

در شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری جهانی، موضوع عدالت به رفتار ملت‌ها در چهارچوب قوانین مادی فیزیکی تفسیر می‌شود و عملاً ملت‌ها در قوانین جبری تحریک و تحرک مادی مکانیزم عرضه و تقاضا و برخاسته از علوم انسانی مادی، باید در بهنجاری اجتماعی و سازگاری اجتماعی قدرت‌های برتر تسلیم گردند.

در سطح کلان و ملی با تدوین قوانین ظالمانه قضایی، شرایط احترام و تقدس به مالکیت خصوصی را فراهم می‌نمایند و در برنامه‌های توسعه، نظام موازنه قدرت را به نفع قشر سرمایه‌دار در پشت نقاب حمایت از تولیدکنندگان، شرایط حاکمیت قشر سرمایه‌دار را در منزلت دولت سرمایه‌داری فراهم می‌نمایند.

برای کنترل آشوب‌های قشر مستضعف و کارگران با ایجاد سندیکاها و کارگری و سازمان تأمین اجتماعی، سوپاپ اطمینانی برای نظام بی‌عدالت سرمایه‌داری به وجود می‌آورند و با بستن قراردادهای

تولیدی، آموزشی، پژوهشی و صنعتی از رده خارج خود، نارسایی‌های نظام خود را به اسم پیشرفت به ملت‌های ضعیف صادر می‌نمایند و آن را پنهان می‌کنند. از این رو محرومیت و بی‌عدالتی اقتصادی امر ذاتی نظام سرمایه‌داری است.

اخلاق حرص در نظام لیبرال‌دموکراسی غربی نهادینه شده و با تنوع در کالاها و تدوین استراتژی مصرف، ظرفیت ارضاء نیاز مادی بشر را ارتقاء داده و رفاه را مبنای توسعه‌یافتگی معرفی می‌کنند و برای آیین دنیاپرستی مدرن (بت‌پرستی مدرن) نظم نوین و حقوق مدرن و تکنولوژی مدرن تولید می‌کنند.

ارتقاء انگیزه‌ها در تولید، همبستگی ملی و سرمایه‌گذاری برای تحقیق در زمینه‌های مختلف موهون حادثه‌سازی‌های تکنولوژی در عرصه متنوع ساختن نیاز و ارضای توسعه‌یافتگی است.

اخلاق حسد در نظام اداری با تنظیم الگوی مصرف طبقاتی، ابزار کنترل و ایجاد انگیزه برای ارتقاء در بازار کار است. لذا فساد اداری در سطح کلان ساختارهای اداری مدرنیته، امری بدیهی و در سطح میانی مدیران، قانون‌مند گردیده است و این فساد را در سطح پایین اداری با مجازات‌های سنگین و متنوع کردن سیستم‌های پلیسی به حداقل می‌رسانند.

از سوی دیگر، ارزش‌های آرمانی یا دینی به معنای قبول بندگی خدا در زندگی دنیا (با حضور طاغوت‌ها و شیاطین) و عمل به مناسک بندگی رسیده از طرف انبیاء و رسولان الهی است که به معنای رشد، قدرت و تکامل در سایه عمل به اخلاق حسنه در مقابل اخلاق رذیله است. مظهر اجتماعی این عبودیت اقامه کلمه توحید در مقابل اقامه کلمه کفر است.

از این رو تهاجم همه‌جانبه جبهه کفر به جبهه ایمان در طول تاریخ بشر به دلیل ضعف، سستی و بی‌منطقی دستگاه کفر و نفاق، امر حتمی و حیاتی برای بقاء و تداوم زندگی ذلت‌بار اوست.

مقاومت، حلم، صبر، مهلت و سرپرستی و تبشیر و انذار جبهه کفر و نفاق از وظایف دینی جبهه حق بوده و هست. لذا شعار مرگ بر «ظلم» و «کفر» و «شرک» و «کذب» یعنی نظام استکبار جهانی که در هر عصری از آستین فرد، دولت، ملت و شعاری بیرون می‌آید استراتژی حرکت اهل ایمان است.

معجزه انقلاب اسلامی ایران در قرن بیستم از عطیه‌های الهی به امت اسلامی و پرچمدارن توحید است. حفظ، گسترش و تکامل انقلاب اسلامی ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام تکلیفی اعتقادی در دفاع از کلمه توحید و رسالت انبیاء و امامت اجتماعی اولیاء الهی قبل از ظهور حضرت ولی عصر (عج) است.

تهاجم همه‌جانبه نظام سرمایه‌داری برای محو یا جنگ و یا به سازش کشیدن نظام جمهوری اسلامی از مواضع حق طلبانه‌اش در استراتژی امنیت ملی آمریکا و اروپا می‌باشد و این به معنای جنگ با ارزش‌ها و اخلاق انبیاء در طول تاریخ است.

از این رو درگیری با موضوع توسعه به معنای برخورد ذاتی آن با اخلاق حسنه و قبول اخلاق حرص و حسد در عرصه مدیریت جهانی و فاصله طبقاتی در عرصه عدالت مادی و... و در چالش با هویت اسلامی و انقلابی نظام مبارک جمهوری اسلامی است.

ارزش‌های عینی برخاسته از فرهنگ انقلاب با ارزش‌های برخاسته از فرهنگ توسعه‌یافتگی درگیرند. حال سخن دوم در کیفیت به‌کارگیری دستاوردهای موضوع توسعه است.

ابتدا باید توسعه و موضوعات توسعه و ارزش‌های مادی برخاسته از فرهنگ آن را شناخت. سپس به تدوین نظام ارضاء نیاز تکاملی، صنفی، خانوادگی در نظام جمهوری اسلامی برای بقاء و تداوم حیات حول استراتژی واحد اندیشید و تخصیص‌ها را تغییر داد.

بعد از این «مفاهیم، ساختارها و محصولات» توسعه‌یافته در نظام الهی دارای تعریف می‌شود و زمینه تحقیق پیرامون نیاز و ارضاهای اسلامی فراهم می‌گردد و برنامه و نقشه علمی کشور تدوین می‌گردد.

در گام بعدی زمینه انقلاب فرهنگی برای پذیرش منطق جدید و عقلانیت دین‌محور در نظام تحقیقاتی کشور فراهم می‌گردد.

سپس قانون اساسی فرهنگ اسلامی تدوین و تصویب شده و به اجرا گذاشته می‌شود و سرفصل دوم حرکت به سمت تمدن حقه اسلامی آغاز می‌گردد.

## ۷. استخراج فیش‌های اولیه ادبیات توسعه برای تدوین نقد، نقض و طرح پیرامون ادبیات توسعه

۷/۱. ارکان تعریف جامعه توسعه یافته نهادینه کردن اندیشه علم محور و قوانین استخراج شده از تجارب بشری در تحقق تمدن مدرن، پایدار و مرفه است.

۷/۲. «ولی باید تأکید کنیم که همه کشورهای توسعه یافته در دو خصیصه مشترک‌اند که با هم برای توسعه ما در این زمینه با آنها مشترک باشیم، اولاً فرهنگشان علم محور است، ثانیاً فرهنگشان انسان محور است»<sup>۱</sup>.

«قوانین توسعه در همه جا یکسان‌اند و لایتغیر»<sup>۲</sup>.

«توسعه یک فرایند علمی است. قانونمندی‌های علمی آن برای شرق و غرب یکسان ولی روش‌هایش متفاوت است»<sup>۳</sup>.

۷/۳. توسعه همه‌جانبه موضوعی اخلاقی نمی‌باشد و پایگاه تعریف از انسان اکونومیک، تکامل و تعادل‌ها در علوم انسانی، در فلسفه فیزیک و برآیند نیروها در رفتار نظام اقتصادی می‌شود.

۷/۴. «مفهوم مورد نظر از تعادل، مفهوم اخلاقی این واژه نیست، بلکه آن مفهومی از این کلمه است که در علم فیزیک به کار می‌رود»<sup>۴</sup>.

از این رو جایی برای حضور ادبیات وحی در صحنه جامعه و مدیریت کلان نظام چه در شکل ادبیات حوزه و چه در شکل ادبیات انقلاب قائل نمی‌باشد و تعاریف از انسان، تکامل، عدالت الهی در این فرایند بی‌معنا است.

از منظر ادبیات توسعه ماهیت آنچه در غرب اتفاق افتاده (تکامل مادی) با آنچه باید در کشورهای کم توسعه یافته اتفاق بیافتد یکی می‌باشد.

«بحث توسعه نیز این گونه (مانند حوزه علم) است. توسعه پدیده‌ای از دنیای واقعی است که با مطالعه آن، قانون‌مندی‌هایی را از آن بیرون می‌آوریم. آن گاه در طراحی فرایند توسعه از آن قانون‌مندی‌ها استفاده می‌کنیم و فرایند توسعه را تسریع می‌نماییم ... یعنی اگر در غرب تحقق این

<sup>۱</sup> . دکتر حسین عظیمی، ایران امروز در آینه مباحث توسعه، ص ۱۱۴ و ۱۱۵.

<sup>۲</sup> . همان، ص ۱۱۲.

<sup>۳</sup> . همان، ص ۱۱۰.

<sup>۴</sup> . همو، مدارهای توسعه‌نیافتگی ایران، ص ۲۵.

فرایند حدود پانصد سال به طول انجامید، ما مثلاً ظرف صد سال به آن برسیم. پس در ماهیت مسأله تفاوتی ایجاد نمی‌شود، تفاوت در الگوهای توسعه است. قانون در همه زمینه‌ها یکسان است»<sup>۱</sup>.

از منظر ادبیات توسعه، شروع حرکت به طرف توسعه ارمغان غرب بوده و شروع آن از ۵۰ سال پیش بوده است و موانع آن را باید بر طرف کرد.

«در ۵۰ سال اخیر (از سال ۱۳۲۷ برنامه‌های توسعه کشور به مرحله اجرا درآمده است) اتفاقات بسیاری در جهت تغییر این بنیان‌ها صورت گرفته است»<sup>۲</sup>.

«در یک نگرش بسیار کلان دو عامل مثبت و یک عامل منفی موجب تغییراتی در جامعه ما شده و می‌شود. عوامل مثبت یکی این است که از نظر جهانی، جامعه ما جامعه‌ای استراتژیک بوده (مورد نظر قدرت‌های شرق و غرب بوده) و اطلاعات خیلی سریع وارد آن می‌شده و تحت تأثیر دنیا قرار می‌گرفته است ... عامل مثبت دیگر نفت بود که کشور ما از آن برخوردار بود ... تا حرکت‌هایی در جهت توسعه در کشور ما صورت گیرد».

«اما نکته منفی در حرکت توسعه ما قدرت نهادهای قدیمی است ... نهاد فرهنگیش قدرت و نفوذ بسیاری دارد و همین باعث شده که تقابلی با اندیشه جدید (توسعه) بسیار جدی و قوی باشد»<sup>۳</sup>.

«از سال ۱۳۲۷ برنامه‌های توسعه کشور به مرحله اجرا درآمده است و به ویژه از دوران پس از مرحوم دکتر مصدق تا حدود ۱۳۵۰، دنیای غرب به علت جنگ سرد و تئوری‌های حاکم بر آن به دنبال توسعه ایران بود ... لذا منافع خود را در توسعه ایران می‌دیدند. ... از سال ۵۱ به بعد ... دنیا علاقه‌اش را به توسعه ایران ... به خاطر اتمام جنگ سرد از دست داده بود»<sup>۴</sup>.

ادبیات توسعه برای پیدایش انقلاب در گذر این ۵۰ سال حرکت توسعه تعریف ادبیات انقلاب را نسبت به خودش قبول ندارد.

«بالارفتن صرف انتظارات و توقعات وقوع انقلاب را توجیه نمی‌کند. تجربه انقلابات نشان داده که در دولت‌های گذار تاریخی (در تمدن جدید) انقلاب رخ می‌دهد. شما انقلابی سراغ ندارید که در غیر دوران گذار تاریخی اتفاق افتاده باشد. انقلاب روسیه بعد از تحولاتی که پتر کبیر در نظام سنتی جامعه ایجاد کرد اتفاق افتاد و همین‌طور انقلاب چین و انقلاب ایران ... شکاف بین تحول سیاسی و تحول در سایر زمینه‌ها تا چه حدی زیاد شده و یا کم می‌شود. اگر این شکاف کم شود انقلابی رخ نمی‌دهد، اما اگر افزایش یابد - مانند ایران - به انقلاب می‌انجامد»<sup>۵</sup>.

«بنابراین تجربه نیم قرن توسعه ایران نشان می‌دهد که ما نیز فرایند توسعه را شروع کردیم. در دوره‌ای بازسازی شدید نهادهای اقتصادی را دنبال کردیم ... تا سال ۵۰ و ۵۱ و سرمایه‌گذاری

<sup>۱</sup> . همو، ایران امروز در آینه مباحث توسعه، ص ۱۰۱.

<sup>۲</sup> . همان، ص ۲۵-۲۷.

<sup>۳</sup> . همان، ص ۱۰۳.

<sup>۴</sup> . همان، ص ۱۰۵ و ۱۰۶.

<sup>۵</sup> . همان، ص ۱۰۷.



زیربنایی نمودیم و در دوره‌ای مصرف انبوه را پیشه کردیم ۵۱ تا ۵۶. گر چه هیچ کدام از این دوره‌ها توسعه تکامل نیستند، ولی به هر حال مراحل از آن هستند».

«در دوران انقلاب، یک بریدگی پیدا کردیم و وارد ساختارسازی جهت جامعه آرمانی شدیم. ولی قبل از این که آن را به جایی برسانیم مسأله جنگ پیش آمد. در نتیجه آن را متوقف کردیم».

«در سال ۶۷ که جنگ به پایان رسید وارد دوره جدیدی شدیم. در سال‌های ۷۳-۶۸ از منظر اندیشه‌ای تقریباً وارد دوره‌ای مشابه دوران سال‌های ۵۱-۴۰ شدیم».